

## قانون حاکم در دعاوی بین‌المللی مالکیت فکری

مرتضی عادل \*

شناسه دیجیتال اسناد (DOI) : 10.22066/CILAMAG.2018.31893

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۲۹

### چکیده

در هر دعاوی بین‌المللی، تعیین قانون حاکم، از مسائل اولیه حل دعواست. تعیین قانون حاکم در هر دعاوی مربوط به حقوق مالکیت فکری نیز از این قاعده مستثنا نیست. در این حقوق نمی‌توان به صرف جنبه مالی دعوا، از قواعد سنتی حل تعارض مربوط به اموال بهره برد. این مال از اقسام اموال غیرمادی بوده و همین ویژگی، پیچیدگی بیشتری را ایجاد می‌کند. ایجاد حق، انتقال حق، نقض حق و حمایت از حق در این حقوق، روش‌ها و قواعد خاصی را برای تعیین قانون حاکم اقتضا دارد. در این تحقیق نشان داده خواهد شد که در کنار قاعده کلی و سنتی حکومت قانون محل وقوع مال، قواعد دیگری همچون قانون محل حمایت، قانون محل نقض، قانون کشور متبوع پدیدآورنده و غیر آن نیز در دعاوی مربوط به این حقوق، کاربرد دارند و نشان می‌دهند که ورود و حل دعاوی این حوزه، به مهارت و توانایی‌های بیشتری نیاز دارد.

### واژگان کلیدی

حقوق مالکیت فکری، تعارض قوانین، قانون حاکم، حقوق بین‌الملل خصوصی، نقض حق، تابعیت، اقامتگاه

### مقدمه

تعیین قانون حاکم بر دعوا از نکات مهم و اولیه‌ای است که هر دادگاهی که مسئول رسیدگی به دعوا می‌شود با آن روبه‌رو، و موظف به انجام آن می‌شود. در دعاوی داخلی، بر اساس اصل سرزمینی‌بودن قوانین و همچنین با توجه به وظیفه اصلی قضات که اجرای مقررات ملی کشور متبوع است، تعیین قانون حاکم، آسان است و قاضی وظیفه‌ای جز اجرای قانون کشور متبوع دادگاه ندارد. اما در دعاوی بین‌المللی، اولین مشکلی که هر دادگاه صالح با آن مواجه می‌شود، تعیین قانون حاکم بر دعواست. بین‌المللی‌بودن دعوا ناشی از داشتن تابعیت متفاوت اصحاب دعوا، محل متفاوت انعقاد قرارداد یا محل اجرای آن، یا محل وقوع مال و غیره است. این ویژگی و گسترش دعاوی بین‌المللی سبب شده است که از قرن ۱۸ به بعد، شاخه خاصی تحت عنوان «حقوق بین‌الملل خصوصی» در حقوق ایجاد شود که مبحث «تعارض قوانین» در این حقوق، مرکز اصلی مباحث و قواعد آن است.

در مبحث تعارض قوانین، محور بحث، بررسی قوانین مطرح در هر دعوا و یافتن قانون اصلح و مناسب (بر اساس قواعد و معیارهای حقوقی و قانونی) از میان قوانین مطرح است. اگرچه ظاهر این بحث، ساده به نظر می‌رسد، بررسی مباحث مطروحه و مبانی حقوق بین‌الملل خصوصی نشان می‌دهد که این مبحث از پیچیدگی خاصی برخوردار بوده و نیاز به ممارست، مهارت و دانش خاص برای قضات و حقوق‌دانان دارد تا به شکل صحیح از عهده این کار برآیند.

در دعاوی مبتنی بر حقوق مالکیت فکری، این پیچیدگی به دلایل متعدد، بیشتر، و یافتن قانون حاکم، دشوارتر می‌شود. دلیل این دشواری از یک طرف، سرزمینی‌بودن قواعد مالکیت فکری و از طرف دیگر، قابلیت نقل و انتقال موضوعات مورد حمایت این حقوق و حمایت قواعد فراسرزمینی از آن‌هاست. در این مقاله تلاش می‌شود میان حقوق مالکیت فکری و قواعد تعارض قوانین، ارتباطی برقرار، و نحوه مداخله هریک در دیگری و در نهایت، نحوه تعیین قانون حاکم در دعاوی ناشی از حقوق مالکیت فکری بررسی شود.

### ۱. کلیات

بر اساس تعریف، حقوق بین‌الملل خصوصی، آن رشته از حقوق است که به روابط میان اشخاص حقوق خصوصی در جنبه بین‌المللی مربوط بوده و مسائل و قواعد این نوع از روابط را تعیین می‌نماید.<sup>۱</sup> پس دو ویژگی حقوق بین‌الملل خصوصی عبارت‌اند از بین‌المللی‌بودن و خصوصی‌بودن. البته این حقوق، محل تلاقی منافع خصوصی با منافع عمومی هم هست. به همین دلیل، قواعد

۱. الماسی، نجادعلی؛ حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ پنجم، میزان، ۱۳۸۶، ص ۱۲.

حقوق بین‌الملل خصوصی باید هم‌زمان منافع مشروع دولت‌ها و افراد خصوصی را تأمین نماید.<sup>۲</sup> چنان‌که گفته شد، از موضوعات اصلی این حقوق، در کنار مفاهیم و تعاریفی که مبانی آن را تشکیل می‌دهند، مبحث «تعارض قوانین» است و آن وقتی بروز می‌کند که در بدو رسیدگی به دعاوی خصوصی بین‌المللی، دو یا چند قانون، خود را صالح برای حکومت بر آن دعوا معرفی نمایند. اهمیت مبحث تعارض قوانین در حقوق بین‌الملل خصوصی سبب شده است که در کشورهای کامن‌لا برای این شاخه از حقوق، عنوان «تعارض قوانین»<sup>۳</sup> را به جای «حقوق بین‌الملل خصوصی»<sup>۴</sup> انتخاب نموده و کلیه مباحث مقدماتی این حقوق و همچنین مبحث اصلی (تعارض قوانین) تحت عنوان بالا شناخته شده و آموزش داده می‌شود.<sup>۵</sup>

در هر دعاوی حقوق بین‌الملل خصوصی، اولین قدم، توصیف است. توصیف یا دسته‌بندی،<sup>۶</sup> ابتدایی‌ترین اقدام در دعاوی بین‌الملل خصوصی برای تعیین قانون حاکم است. باید هر دعوا را ابتدا در یکی از طبقات یا دسته‌های شناخته‌شده حقوقی قرار داد. این دسته‌ها عبارت‌اند از اشخاص، اموال، قراردادهای و اسناد. این امر سبب تسهیل روند رسیدگی به دعوا و همچنین منجر به تعیین قانون حاکم خواهد شد. در این میان، دسته اموال، هم از قدمت بیشتری برخوردار است و هم با توجه به تقسیم‌بندی متفاوت مال در حقوق کشورهای مختلف، از تنوع و پیچیدگی‌های خاص بهره‌مند است. اصطلاحاتی مانند مال منقول و غیرمنقول،<sup>۷</sup> مادی (ملموس) و غیرمادی (غیرملموس)،<sup>۸</sup> مال شخصی و مال عینی/واقعی<sup>۹</sup> به اقسام مال در کشورهای مختلف اشاره دارد. علی‌رغم این پیچیدگی‌ها، حقوق کشورها تا حد زیادی در این حوزه پیشرفت نموده و پاسخ لازم را در تعیین قانون حاکم فراهم کرده است.<sup>۱۰</sup> البته در دعاوی با موضوع مال، همیشه باید دقت کرد که آیا مسئله پیش رو جنبه مالی دارد یا قراردادی، و اگر قراردادی بود، دیگر قواعد مربوط به مال بر آن حاکم نخواهد بود.

مرحله بعد از توصیف، یافتن عامل ارتباط<sup>۱۱</sup> است، یعنی معلوم شود که در دعاوی پیش رو، بر اساس توصیف و دسته‌بندی انجام‌شده، چه عامل ارتباطی وجود دارد تا از طریق آن بتوان به

۲. باقری، محمود و عباس احدزاده؛ «قابلیت اعمال تئوری تحلیل منافع عمومی در دعاوی نقض حقوق مالکیت فکری»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره چهل و چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۴۲-۱۴۱.

3. Conflict of laws

4. Private International Law

5. O'Brien, John, *Conflict of Laws*, 2<sup>nd</sup> ed, Cavendish Publishing Ltd., 1999, London, p. 4.

6. Qualification/characterisation

7. Moveable and immoveable property

8. Tangible and intangible property

9. Personal and real property / chattel

۱۰. نصیری، محمد؛ *حقوق بین‌الملل خصوصی*، چاپ بیست‌وسوم، کتاب گزیده، ۱۳۸۹، ص ۲۰۱.

11. Connecting factor

قانونی که مناسب‌ترین قانون مربوط به دعواست رسید.<sup>۱۲</sup> عواملی مانند محل وقوع مال، محل انعقاد قرارداد، محل تنظیم سند و غیره، عامل‌های متداول ارتباط هستند. در دعاوی اموال، به‌طور سنتی، محل وقوع مال، عامل ارتباط است و قانون حاکم بر آن دعوا نیز قانون محل وقوع مال<sup>۱۳</sup> است.<sup>۱۴</sup> در اموال غیرمنقول، محل وقوع مال به‌آسانی قابل تشخیص است ولی در اموال منقول، وضع پیچیده‌تر خواهد بود. در کشورهای تابع اموال شخصی و عینی/واقعی هم به همین نحو عمل می‌شود، اما در مورد اموال ملموس و غیرملموس، خصوصاً در بخش اموال غیرملموس، تعیین پاسخ سخت‌تر است. اموال غیرملموس، اموالی است که وجود فیزیکی و قابل رؤیت و لمس ندارد، بلکه وجودی اعتباری و قانونی دارد و قانونگذار بر اساس مصالح اجتماعی - حقوقی و با نگرشی عدالت‌محور، آن اموال را خلق اعتباری و حقوقی کرده است. حقوق ناشی از فعالیت‌های فکری،<sup>۱۵</sup> از مصادیق مهم و گسترده این اموال است، اگرچه حق و دین و ادعا نیز از مصادیق سنتی‌تر این بخش از اموال است.<sup>۱۶</sup>

حقوق مالکیت فکری، به حقوق ناشی از آفرینش‌ها و خلاقیت‌های فکری شخص یا اشخاصی در زمینه‌های علمی، صنعتی، ادبی و هنری اشاره دارد.<sup>۱۷</sup> این همان حق بهره‌برداری انحصاری صاحب اثر از آن اثر فیزیکی است، مانند حق اختراع، حق نسخه‌برداری، حق استفاده از نام یا علامت تجاری.<sup>۱۸</sup> با توجه به اینکه این حق دارای جنبه مالی هم هست و قابل استفاده یا واگذاری دائم یا موقت است، از آن به حق مالی و از دعاوی ناشی از آن به دعاوی مالی یاد می‌شود.<sup>۱۹</sup> در واقع، این حق مالی همانند هر مال دیگر دارای ارزش مالی بوده و قابل تقویم به پول است. حقوق مالکیت فکری دارای ویژگی‌هایی است. این حقوق از یک جنبه، سرزمینی<sup>۲۰</sup> و از جنبه دیگر، فراسرزمینی<sup>۲۱</sup> است.<sup>۲۲</sup> قواعد این حقوق و شناسایی حقوق و حمایت از افراد، غالباً جنبه

۱۲. توجه شود که وقتی عامل ارتباط به قانون کشور محل درخواست حمایت یا محل نقض یا هر قانون دیگری ارجاع داد، منظور، ارجاع به قانون ماهوی (material law) آن کشور است و نه به قواعد حل تعارض آن کشور.

13. *Lex situs*

۱۴. ماده ۹۶۶ ق.م.

15. Intellectual Property Rights

۱۶. الماسی؛ همان، ص ۲۹۲.

۱۷. میرحسینی، سیدحسن؛ مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، میزان، ۱۳۸۴، ص ۱۹.

۱۸. قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶، ماده ۲.

۱۹. پیشین، ماده ۱۵.

20. Domestic/territorial

21. International/extraterritorial

22. *ICC Studies in Industrial Property and Copyright Law; International Property and Private International Law – Heading for the Future*, Hart Publishing, Oxford and Portland, Oregon, 2005, USA, p. 132; <http://gourdpachart.com/rejugukony.pdf>.

سرزمینی داشته و در هر کشوری با رعایت حقوق ملی آن کشور محقق می‌شود. لذا در رابطه حقوق مالکیت فکری در قلمرو سرزمینی یک کشور نباید قانون دیگری غیر از قانون اعطاکننده حق را به‌عنوان قانون حاکم شناخت. نظریه سرزمینی‌بودن حقوق مالکیت فکری اقتضا دارد که قواعد مالکیت فکری تنها در چارچوب سرزمینی کشوری قابل اعمال باشد که قانونگذار آن سرزمین برای حمایت از این حقوق وضع کرده است. با این حال، این حقوق به علت پشتوانه بین‌المللی آن و قابلیت شناسایی و حمایت از آن در دیگر کشورها، و همچنین پایه‌گذاری حقوق‌های ملی بر اسناد و معاهدات بین‌المللی، دارای جنبه فراسرزمینی نیز هست.<sup>۲۳</sup> اسناد بین‌المللی، الهام‌بخش حقوق‌های ملی بوده و اصول اصلی از آن اسناد گرفته شده است. تعیین قانون حاکم هم نمی‌تواند از این اصول به‌دور باشد. بنابراین، هر قاعده‌ای که برای تعیین قانون حاکم معرفی می‌شود، باید با اصول و اسناد، هماهنگی داشته باشد.

از نظر کورنیش،<sup>۲۴</sup> اصل سرزمینی‌بودن در حقوق مالکیت فکری از چهار جنبه متفاوت، قابل شناسایی و معرفی است: ۱. اثر حقوق مالکیت فکری در هر کشوری توسط قانون همان کشور تعیین می‌شود. ۲. حقوق مالکیت فکری فقط فعالیت‌ها را در سرزمینی که آن را اعطا کرده تحت تأثیر قرار می‌دهد. ۳. این حقوق فقط توسط اتباع کشوری که آن را اعطا کرده، یا دیگرانی هم که قانون به آنان جایگاه مشابه داده است، قابل اظهار و ادعاست. ۴. این حق فقط می‌تواند در دادگاه‌های کشوری که آن را اعطا کرده مورد اظهار (ادعا) یا مخالفت قرار گیرد.<sup>۲۵</sup>

امروزه اصل سرزمینی‌بودن، چنان معنای گسترده‌ای به خود گرفته که به‌آسانی می‌تواند به‌عنوان اصطلاحی بدون مفهوم یا اصطلاحی بدون توجیه مناسب، مورد نقد قرار گیرد.<sup>۲۶</sup> از اواخر قرن پیش، عده‌ای معتقدند که با توجه به گسترش حمایت‌های بین‌المللی برای این حقوق و تبادل و جابه‌جایی آثار موضوع این حقوق میان کشورهای مختلف، در این حوزه باید از اصول سرزمینی کاست و به قواعد فراسرزمینی توسل بیشتری داشت،<sup>۲۷</sup> چرا که به‌عنوان قاعده کلی، قواعد مالکیت فکری ملی<sup>۲۸</sup> بر روی فعالیت‌های خارج از سرزمین قابل اعمال نیست. بنابراین ایده‌آل آن است که یک سامانه واحد بین‌المللی ثبت و حمایت مالکیت فکری در همه کشورها

۲۳. قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶، ماده ۶۲.

24. W. R. Cornish

25. Wadlow, Christopher, *Enforcement of Intellectual Property in European and International Law; The New Private International Law of Intellectual Property in the United Kingdom and the European Community*, Sweet & Maxwell, 1998, London (UK), p. 9.

26. *Ibid.*, p. 10.

27. Metzger, Axel, "Applicable Law under the CLIP Principles: A Pragmatic Revolution of Territoriality", pp. 2 & 3, available at: <http://metzger.rewi.hu-berlin.de/doc/publikationen/aufsaeetze/Metzger-ApplicableLawUnderCLIP2010.pdf>, October 2015, pp. 2 & 3.

28. *Lex originis*

وجود داشته و حقوق مشابهی به اشخاص اعطا شده و دامنه حمایت یکسانی به آنان داده شود و مدت مشابهی هم این حمایت طول بکشد. ولی امروزه این چنین نیست و هر کشوری سامانه ملی خود را دارد و حتی تلاش‌های منجر به انعقاد سند تریپس هم نتوانسته به این هدف برسد.<sup>۲۹</sup> در غیاب این سامانه واحد بین‌المللی، یک سامانه منظم تعیین قانون حاکم می‌تواند وضع فعلی را بهبود بخشیده و رویه واحدی در کشورها ایجاد کند. باید تلاش شود که مجموعه مقررات یکنواخت بین‌المللی برای حل تعارض دعاوی مالکیت فکری و تعیین قانون حاکم تدوین شود تا از تعارض نظرات در صحنه بین‌المللی جلوگیری کند.

اولمر<sup>۳۰</sup> نیز معتقد است اصل سرزمینی بودن به‌عنوان مبنای نظری رابطه با حقوق کشور حمایت‌کننده در نظر گرفته شده است.<sup>۳۱</sup> مثلاً در حق اختراع، حق انحصاری توسط کشوری داده شده و فقط در چارچوب سرزمین آن کشور قابل تنفیذ است. این امر با نظر سنتی که در این حوزه وجود دارد، منطبق است. طبق این نظر، دادگاه‌های کشوری که حقوق مالکیت فکری بر اساس قوانین آن ایجاد شده، دارای صلاحیت انحصاری در رسیدگی به موضوعات مرتبط با این حقوق هستند.<sup>۳۲</sup> تردیدی نیست که این روش در حق نسخه‌برداری وجود ندارد، ولی درهرحال، حق، با ایجاد یا نشر اثر به وجود می‌آید و این حق، محدود به مرزهای سرزمینی است که آن را تأیید کرده است. در هر حالت نیز نقض این حقوق، عمل مسئولیت‌آور تلقی شده که بر اساس حقوق محل نقض، رسیدگی خواهد شد.<sup>۳۳</sup> مثلاً اگر حق اختراعی که در فرانسه به ثبت رسیده، در انگلستان نقض، و دعوی آن در دادگاه انگلستان طرح شود، قاعده مربوط به شبه‌جرم<sup>۳۴</sup> ارتكابی در انگلستان قابل اعمال است. بر اساس ماده ۱۱ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی (مقررات متفرقه) ۱۹۹۵ انگلستان،<sup>۳۵</sup> قانون کشوری که عمل نقض در آن رخ داده، بر دعوا حاکم است. پس قانون انگلستان اعمال و در نتیجه، دعوا رد خواهد شد زیرا دعوا بر اساس حقی که در انگلستان ایجاد شده باشد طرح نشده است.<sup>۳۶</sup> اما در مقابل، برای حق اختراعی که در فرانسه به

۲۹. ضروری است در این خصوص به گزارش تدوینی مؤسسه ماکس پلانک تحت عنوان «Principles for Conflict of Laws in Intellectual Property (CLIP), Second Preliminary Draft, June 6, 2009» و گزارش مؤسسه حقوق آمریکا تحت عنوان «Intellectual Property: Principles Governing Jurisdiction, Choice of Law, and Judgements in Transnational Disputes, 2007» اشاره شود. البته چون این دو گزارش به قانون تبدیل نشده، از چارچوب این مطالعه خارج است.

30. Eugen Ulmer

31. Ulmer, Eugen, *Intellectual Property Rights and the Conflict of Laws*, Kluwer, 1978, The Netherlands, p. 7.

32. Pertegas Sender, Marta, *Cross-Border Enforcement of Patent Rights; An Analysis of the Interface between Intellectual Property and Private International Law*, Oxford University Press, 2002, UK, p. 209.

33. Wadlow, *op. cit.*, p. 9.

34. Tort

35. Private International Law (Miscellaneous Provisions) Act 1995.

36. Pertegas Sender, *op. cit.*, p. 224.

ثبت رسیده، می‌شود در اسپانیا به‌خاطر نقضی که در اسپانیا صورت گرفته طرح دعوا کرد. بر اساس قواعد حل تعارض اسپانیا (ماده (۴) ۱۰)،<sup>۳۷</sup> قانون کشور محل اعطای حق، یعنی قانون فرانسه، حاکم بر دعوا خواهد بود. در نتیجه، دعوا رد خواهد شد زیرا طبق قانون فرانسه، حق اختراع فرانسوی وقتی مورد حمایت است که نقض در کشور فرانسه رخ داده باشد.<sup>۳۸</sup> در مورد نقض خارج از مقر دادگاه، معمولاً دادگاه‌ها اکره دارند از اینکه به نقضی که در خارج از سرزمین آن‌ها واقع شده است رسیدگی کنند.<sup>۳۹</sup>

حقوق مالکیت فکری از یک جنبه، تابع قواعد حقوق خصوصی (دیدگاه شخصی‌گرا) و از جنبه‌ای دیگر، پیرو قواعد حقوق عمومی (دیدگاه نفع‌گرا) است و مسائلی از قبیل منافع ملی در ابعاد اقتصادی و فرهنگی از اهمیت خاصی در تدوین قواعد آن برخوردار است. صرف‌نظر از اینکه دیدگاه شخصی‌گرا یا نفع‌گرا در تدوین قوانین مالکیت فکری نقش داشته باشد، ملاحظه می‌شود که مداخله دولت‌ها در کم و زیاد کردن قلمرو حمایت از حقوق ویژه مالکیت فکری صاحبان حق، مفهوم ملاحظات نفع عمومی را بهتر از دیگر عوامل ارتباطی وارد حوزه حقوق بین‌الملل خصوصی کرده است.<sup>۴۰</sup> همین ماهیت عمومی می‌تواند در برخی موارد در تعیین قانون حاکم نیز مؤثر باشد؛ مثلاً قانون مقر دادگاه را به‌صورت الزامی در برخی دعاوی معرفی کند. این ماهیت دوگانه را می‌توان از ماده ۱۶ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶، که تعیین محدوده زمانی ۲۰ سال برای حمایت از حقوق صاحب اثر است از یک طرف، و از ماده ۱۷ همان قانون که به دولت یا شخص مجاز از طرف آن، اجازه بهره‌برداری از اختراع دیگری را بدون اجازه وی و با رعایت ترتیباتی می‌دهد استنباط کرد.

توصیف و تعیین عامل ارتباط در دعاوی مالکیت فکری به‌آسانی دعاوی اموال نبوده و مشکلات بیشتری دارد. باید دید که آیا می‌توان این اموال را در طبقه‌بندی‌های موجود، مثل دسته اموال یا اسناد یا قراردادهای جای داد یا خیر؟ آیا محل وقوع مال یا محل انعقاد قرارداد برای این اموال کارایی دارد، یا اینکه باید برای آن‌ها طبقه‌بندی خاص مرتبط با دعاوی مالکیت فکری، از قبیل ایجاد حق و محل آن،<sup>۴۱</sup> دامنه حق و محل اعتبار آن، و نقض یا انحلال حق و محل آن ارائه کرد؟ همچنین باید مشخص کرد که آیا مال فکری را باید مال منقول دانست یا خیر؟ به‌علاوه، وقتی برای بهره‌برداری از حقوق مالی این حق، قراردادی منعقد می‌شود، باید دانست

37. Private International Law 1974.

38. Pertegas Sender, *op. cit.*, p. 224.

39. Wadlow, *op. cit.*, p. 10.

۴۰. باقری و احدزاده؛ همان، ص ۱۴۰.

۴۱. در مورد عامل ارتباط، ممکن است برخی (مانند حقوق فرانسه)، مبدأ اختراع (origin of patent) و برخی هم (مانند حقوق آلمان، محل ثبت (place of registration of patent) را عامل ارتباط بدانند.

کدام موضوع جنبه قراردادی دارد تا بر اساس عامل ارتباط مربوط به قرارداد، قانون حاکم تعیین شود، و کدام موضوع به خود حق مربوط است و جنبه مالی دارد تا با رعایت عامل ارتباط مربوط به اموال، قانون حاکم تعیین شود.<sup>۴۲</sup>

مسئله است که هیچ حقوقی، اموال فکری را جزء دسته اموال غیرمنقول قرار نمی‌دهد، چرا که ماهیت این اموال بسیار متفاوت از زمین و ملصقات آن است، اما توجیه این اموال به‌عنوان مال منقول، طرفداران زیادی دارد. لذا باید دید که آیا تعیین ماهیت منقول برای آن و محل وقوع این مال، کمکی در تعیین قانون حاکم می‌کند یا خیر؟

پس از توصیف، یافتن عامل ارتباط، دشوار نخواهد بود، اگرچه این دشواری در اموال فکری بیشتر است. عوامل ارتباطی نظیر محل ثبت، محل نشر، تابعیت و اقامتگاه صاحب حق و محل نقض، از عوامل ارتباط مؤثر در این حوزه است.

مسئله تعیین قانون حاکم، زمانی مطرح می‌شود که وقایع پرونده نشان دهد که حداقل یک عنصر خارجی وجود داشته و حقوق ماهوی دو یا چند کشور مطرح در پرونده با هم تفاوت دارند؛ مثل اینکه دو طرف، مقیم دو کشور باشند، یا نقض حق در کشور یا کشورهای دیگر رخ دهد. مثلاً اگر کتابی در کشوری بدون مجوز دارنده حق نسخه‌برداری به فروش برسد، باید دید قانون کدام کشور بر این دعوای نقض حاکم خواهد بود: قانون کشوری که اولین بار کتاب در آن منتشر شده، یا کشوری که حق در آن نقض شده، یا کشوری که نسخه‌های فوق در آن تکثیر شده، یا قانون اقامتگاه طرفین؟

باید توجه داشت که در تعیین قانون حاکم، هدف، تعیین قانون ماهوی حاکم بر دعواست؛ قانونی که بتواند در ماهیت دعوا تصمیم‌گیری کند. تعیین قانون شکلی، جایی در این تلاش ندارد، چرا که امور شکلی تماماً تابع قانون مقر دادگاه (*Lex fori*) است. برای تمیز میان این دو گروه، قاعده تثبیت‌شده‌ای وجود دارد مبنی بر اینکه مسائل مربوط به تنفیذ حق اختراع، جنبه ماهوی دارد. این نه‌تنها شامل دامنه مشخص حقوق ناشی از اختراع است، بلکه به قابل طرح‌دعوا بودن آن حقوق نیز مربوط می‌شود؛ یعنی جبران‌هایی که دارنده حق اختراع می‌تواند علیه ثالث داشته باشد.<sup>۴۳</sup>

مالکیت فکری اساساً به دلیل دو ویژگی عمده حق، از خود دو اثر متفاوت را در چارچوب حل تعارض قوانین به جا می‌گذارد؛ نخست اینکه در تقسیم‌بندی حقوق، به دلیل حمایت قانونگذار از جنبه‌های حقوق فردی و مادی خالق اثر فکری، این حق به شکل نمادی از حقوق خصوصی خود را نشان می‌دهد. دوم اینکه محدوده قلمرو حق انحصاری ویژه اقتصادی، به لحاظ جنبه حقوق

42. Fawcett, James, Torremans, Paul, *Intellectual Property and Private International Law*, Clarendon Press, 1998, Oxford (UK), p. 456.

43. Pertegas Sender, p. 265.



جمعی و عمومی جامعه به دسترسی اطلاعات از سوی حاکمیت تعیین می‌شود. این جنبه از حق در ردیف حقوق عمومی جامعه تلقی می‌شود.<sup>۴۴</sup> حال اگر این مال فکری موضوع دعاوی بین‌المللی میان اشخاص خصوصی قرار گیرد، وضعیت تعیین قانون حاکم چه خواهد شد؟ آیا مدل ساویینی که همان دیدگاه سنتی در تعیین قانون حاکم در دعاوی اموال است، در دعاوی مالکیت فکری، قادر به ارائه قاعده‌ای قطعی و روشن، مبتنی بر عدالت خواهد بود؟ بر اساس ماده ۹۶۶ ق.م: «تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاء منقول و یا غیرمنقول، تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آنجا واقع می‌باشند...». آیا می‌توان در مورد اموال فکری هم از همین فرمول سنتی حاکم بر اموال به‌طور کلی استفاده کرد،<sup>۴۵</sup> یا اینکه ویژگی خاص مال فکری اقتضای رفتار خاصی برای تعیین قانون حاکم بر دعاوی مربوط به آن را دارد؟ این سؤال خصوصاً وقتی مهم‌تر می‌شود که به ماده ۹۷۴ ق.م توجه شود، وقتی که اهمیت اسناد و عهود بین‌المللی را تأکید می‌کند: «مقررات ماده ۷ و مواد ۹۶۲ تا ۹۷۴ این قانون تا حدی به موقع اجرا گذارده می‌شود که مخالف عهود بین‌المللی که دولت ایران آن را امضا کرده و یا مخالف با قوانین مخصوصه نباشد». به عبارت دیگر، در صورت مخالفت یا سکوت مقررات داخلی در موضوعی، می‌توان حسب مقررات ماده ۹ و مواد فوق‌الذکر ق.م، مقررات معاهدات را که در حکم قانون داخلی بوده و لازم‌الاتباع است، اعمال کرد.

در این مقاله تلاش می‌شود با عنایت به مقررات داخلی، اسناد و عهود بین‌المللی و مقررات اروپایی به این سؤال پاسخ داده شود و قانون حاکم در این نوع دعاوی تعیین شود؛ آن هم قانونی که بیشترین و مهم‌ترین رابطه را با موضوع و مسئله پیش رو دارد.

## ۲. حقوق بین‌الملل

اینکه در دعاوی بین‌المللی حقوق مالکیت فکری (چه مرحله ایجاد حق و چه مرحله اعمال حق) کدام قانون حاکم است مهم است چرا که مسائل این حوزه یا مربوط به حقوق اموال است، یا حقوق مسئولیت مدنی (شبه‌جرم)، یا امور اداری یا حقوق قراردادها.<sup>۴۶</sup> ممکن است به نظر برسد که این دسته‌بندی، کار را برای حقوق‌دان آسان می‌کند، ولی آن‌چنان که به نظر می‌رسد، کار آسان و ساده نخواهد بود.

اسناد بین‌المللی حقوق مالکیت فکری، مبدأ و مبنای قوانین مرتبط داخلی کشورها شده‌اند و تلاش کشورهای عضو، آن بوده که مقررات این اسناد را در کشور خویش وارد و بومی کنند. حتی

۴۴. باقری و احدزاده؛ همان، صص ۱۴۱-۱۴۰.

۴۵. الماسی؛ همان، ص ۲۹۲.

کشورهایی که عضو برخی از این اسناد نیستند هم در مقررات داخلی خویش از الگوی مقرراتی این اسناد بهره برده‌اند. برخلاف حقوق‌های ملی، در اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق مالکیت فکری که تماماً مربوط به قرن بیستم به بعد است، راه‌حلهایی در خصوص تعیین قانون حاکم در دعوی مربوط دیده می‌شود. با این حال، هنوز این اسناد به‌طور صریح و کامل به موضوع تعارض قوانین نپرداخته است و در حد کافی و لازم، پیش‌بینی‌های ضروری را ننموده و مقررات جامعی ارائه نکرده است.<sup>۴۷</sup> در این بخش به تعدادی از این اسناد و راه‌حل‌های آن پرداخته می‌شود.

## ۲-۱. کنوانسیون برن ۱۸۸۶

کنوانسیون برن، مربوط به حمایت از حقوق مؤلف است. از این حقوق با عنوان کلی *copyright* یاد می‌شود که معادل (حق تکثیر یا حق تکثیر مؤلف) برای آن استفاده می‌شود.<sup>۴۸</sup> در کنوانسیون، ثبت اثر یا دیگر تشریفات برای ایجاد حق وجود ندارد. دانستن این نکته مهم است که کدام اثر و کدام پدیدآورنده بر اساس این کنوانسیون، تحت حمایت آن قرار می‌گیرد، چرا که علی‌رغم اینکه کشورهای زیادی کنوانسیون را امضا کرده‌اند، برخی دیگر از کشورها، از جمله ایران، عضو این کنوانسیون نیستند.

بر اساس این سند، باید اثر یا پدیدآورنده اثر، دارای کیفیت یا ویژگی خاصی<sup>۴۹</sup> باشند تا بتوانند حق نسخه‌برداری داشته باشند که همان داشتن حق حمایت توسط کنوانسیون است.<sup>۵۰</sup> در کنوانسیون، تعدادی عامل ارتباط ذکر شده است که موجب مرتبط‌شدن اثر یا صاحب اثر با یک

47. Fawcett, *op. cit.*, p. 461.

48. اصطلاح "copyright" به‌طور معمول به «حقوق مالکیت ادبی و هنری» اشاره دارد. با این حال، در مقاله حاضر از عبارت «حق تکثیر» به‌عنوان معادل فارسی اصطلاح "copyright" استفاده شده است. البته این معادل‌سازی قصد ندارد که تعریفی خارج از متون حقوقی موجود ارائه دهد؛ هدف اختصار است و در متن حاضر، «حق تکثیر»، اشاره به کلیه حقوقی دارد که تحت عنوان "copyright" به پدیدآورنده اعطا می‌شود. در توضیح بیشتر باید گفت که در آثار نویسندگان حقوقی، «حقوق مالکیت ادبی و هنری» به‌عنوان حق خاص و از اقسام حقوق فکری به دو حق تقسیم شده است: حق مادی (مالی) و حق معنوی. اطلاق عبارت «حقوق مالکیت ادبی و هنری» اگرچه شامل هر دوی این حقوق است، اشاره عبارت "copyright" یا «حق تکثیر» بیشتر به حقوق مادی است تا حقوق معنوی پدیدآورنده. حقوق مادی پدیدآورنده است که نوعی حق انحصاری برای وی جهت هرگونه بهره‌برداری مالی از اثر ایجاد می‌کند و حق هر نوع تصرف در اثر را که متضمن استفاده مادی باشد به پدیدآورنده می‌دهد. مهم‌ترین حقوق مادی پدیدآورنده اثر ادبی و هنری در حقوق ایران عبارت است از حق تکثیر، حق ترجمه، حق عرضه و اجراء، حق استفاده از پاداش و جایزه و حق تعقیب. مهم‌ترین حقوق معنوی پدیدآورنده که غیرمالی بوده و مربوط به شخصیت او و برای حمایت از اوست عبارت است از حق انتشار، حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده و حق حرمت اثر. برای مطالعه مفصل این مبحث، ن.ک: سیدحسین صفایی؛ «مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، در: مقالاتی درباره حقوق مدنی و تطبیقی، چاپ دوم، میزان، ۱۳۸۶.

49. Qualification

50. Fawcett, *op. cit.*, p. 462.

کشور عضو می‌شود و کشور مبدأ را معرفی می‌کند. حمایت این کنوانسیون وقتی برقرار خواهد شد که یکی از این عوامل ارتباط وجود داشته باشد.

عوامل ارتباطی که در کنوانسیون برن به آن اشاره شده، با آنچه به‌طور سنتی در حقوق بین‌الملل خصوصی معرفی شده است، تفاوت‌هایی دارد و این تفاوت‌ها از کنوانسیون آغاز می‌شود. خواهد آمد که در کنوانسیون، محل وقوع مال فکری به‌عنوان عامل ارتباط در کنار دیگر عوامل شناسایی شده است و آن هم فقط در مورد آثار معماری که دارای محل وقوع واقعی است. این عوامل ارتباط در مواد ۳ و ۴ کنوانسیون به شرح زیر آمده است:<sup>۵۱</sup>

### الف. تابعیت پدیدآورنده اثر

تابعیت پدیدآورنده اثر، اولین عامل ارتباط در کنوانسیون است. در ماده ۳ کنوانسیون به این عامل اشاره شده است. بر اساس این ماده، به تمام آثار پدیدآورنده‌ای که تابعیت یکی از کشورهای عضو کنوانسیون را داشته باشد، حمایت ارائه خواهد شد، حتی اگر اثر در کشور غیرعضو منتشر شود. فرمول تابعیت در کنفرانس استکهلم<sup>۵۲</sup> مورد تجدیدنظر قرار گرفته است.<sup>۵۳</sup> بر این اساس، نویسندگانی که اقامتگاه اصلی‌شان در کشورهای عضو باشد نیز از این حمایت برخوردارند، حتی اگر ملیت و تابعیت این کشورها را نداشته باشند. لذا در اینجا عامل ارتباط از تابعیت به اقامتگاه اصلی<sup>۵۴</sup> سرایت یافته است. بدیهی است در تعیین تابعیت یا تعریف اقامتگاه اصلی، دادگاه رسیدگی‌کننده بر اساس قواعد مقر دادگاه تصمیم خواهد گرفت و نه کنوانسیون.<sup>۵۵</sup>

### ب. محل اولین نشر اثر

بر اساس ماده ۳ کنوانسیون، دومین عامل ارتباط، محل اولین نشر اثر است که باید در یک کشور عضو کنوانسیون باشد. نشر هم‌زمان اثر در کشور غیرعضو و متعاقباً در کشور عضو با فاصله ۳۰ روز، به‌منزله نشر در کشور عضو تلقی و مشمول حمایت می‌شود. از نظر کنوانسیون، «نشر» به

**51. Article 3:** [Criteria of Eligibility for Protection: 1. Nationality of author; place of publication of work; 2. Residence of author; 3. "Published" works; 4. "Simultaneously published" works] ..... **Article 4:** [Criteria of Eligibility for Protection of Cinematographic Works, Works of Architecture and Certain Artistic Works]

The protection of this Convention shall apply, even if the conditions of **Article 3** are not fulfilled, to:

(a) authors of cinematographic works the maker of which has his headquarters or habitual residence in one of the countries of the Union;

(b) authors of works of architecture erected in a country of the Union or of other artistic works incorporated in a building or other structure located in a country of the Union.

**52.** Report on the Work of the Main Committee I, paras. 29 and 30, Stockholm Conference, 1967.

**53.** Fawcett, *op. cit.*, p. 463.

**54.** Domicile

**55.** *Ibid.*

معنی «نشر اثر با رضایت پدیدآورنده» است و شیوه نشر مهم نیست. این عامل ارتباط، مستقل بوده و ارتباطی به تابعیت پدیدآورنده ندارد. البته نشر در کنوانسیون شامل اجرای اثر نمایشی، موزیکال نمایشی، سینماتوگرافی یا موسیقایی نمی‌شود. همچنین ارائه عمومی اثر ادبی، انتقال اثر ادبی یا هنری از طریق کابل یا رسانه، نمایش کار هنری و ساخت اثر معماری، نشر تلقی نمی‌شود.<sup>۵۶</sup>

### ج. دفتر مرکزی یا اقامتگاه معمول سازنده اثر

دفتر مرکزی یا محل سکونت معمول<sup>۵۷</sup> سازنده اثر سینماتوگرافی نیز طبق ماده ۴ کنوانسیون، دو عامل ارتباط محدود هستند. در این حالت حتی اگر عوامل ارتباط اول و دوم وجود نداشته باشد، این عامل سوم به تنهایی می‌تواند اثر را تحت حمایت کنوانسیون قرار دهد.

### د. دفتر مرکزی یا اقامتگاه اصلی معمار و غیره

در ماده ۴ کنوانسیون به ارائه حمایت برای پدیدآورندگان آثار معماری نیز اشاره شده است؛ منوط بر اینکه اصل اثر در کشور عضو بنا شده باشد. همچنین این حمایت، برای آثار هنری که در بنا یا دیگر سازه‌های مستقر در کشورهای عضو به کار رفته باشد نیز تسری یافته است. این نیز عامل ارتباط محدود دومی است که در کنوانسیون آمده است. هریک از عوامل ارتباط چهارگانه بالا می‌تواند به یک کشور عضو اشاره و آن را معرفی کند. این کشور در واقع، کشور مبدأ ایجاد اثر خواهد بود. حال اگر در هر مورد، بیش از یک عامل ارتباط فعال مورد استفاده قرار گیرد، باید دید که کدامیک از این عوامل، اولویت پیدا خواهد کرد. ماده ۵(۴) کنوانسیون، قواعدی برای تعیین این اولویت ارائه می‌کند. مثلاً کشور عضوی که اثر، اولین بار در آن منتشر شود، کشور مبدأ تلقی می‌شود، ولو اینکه پدیدآورنده، تبعه کشوری دیگر از اعضای کنوانسیون بوده یا مقیم کشور عضو دیگری باشد. اگر اثر هم‌زمان در چند کشور عضو منتشر شود، اولویت به کشوری داده می‌شود که کوتاه‌ترین دوره حمایت را اعطا می‌کند. اگر اثر هم‌زمان در کشور عضو و کشور غیرعضو منتشر شود، کشور عضو، مبدأ تلقی می‌شود. در مقابل، اگر اثر در کشور عضوی منتشر نشده یا فقط در کشور غیرعضو منتشر شود، نوبت به عوامل ارتباط سوم و چهارم می‌رسد تا به کشور مبدأ اشاره کنند.<sup>۵۸</sup> با این مقدمات، کنوانسیون در ماده ۵(۲) به تعیین قانون حاکم می‌پردازد. در این ماده، قانون کشور محل درخواست حمایت،

56. Fawcett, *op. cit.*, p. 467.

57. Habitual residence

58. Fawcett, *op. cit.*, p. 465.

به‌عنوان قانون حاکم معرفی شده است.<sup>۵۹</sup>

کشور محل درخواست حمایت، کشوری است که اثر در آن استفاده یا از آن سوءاستفاده می‌شود.<sup>۶۰</sup> در واقع با این اقدام، کنوانسیون یک مجموعه جامع حقوقی را معرفی می‌کند؛ شناسایی حق، نقض حق، و حمایت از حق.<sup>۶۱</sup>

در دعاوی نقض حقوق مالکیت فکری، قانون کشور محل درخواست حمایت<sup>۶۲</sup> (قانونی که تحت آن، نقض صورت گرفته) قوی‌ترین گزینه برای حکومت خواهد بود. همان طور که /ولمر هم گفته، این قانون واحدی است که می‌تواند قانون حاکم شود.<sup>۶۳</sup> یک دلیل این استدلالات، ایجابی است و آن اینکه کدام قانون در حمایت از حق مالکیت فکری در صورت نقض در کشوری، بیشتر از قانون همان کشور، نفع در اجرا دارد؟ استدلال دیگر نیز سلبی است و آن اینکه در بیشتر موارد و با توجه به ماهیت سرزمینی حمایت از مالکیت فکری، کدام قانون دیگر می‌تواند حاکم باشد؟ به عبارت دیگر، چه هدفی حاصل خواهد شد اگر قانون دیگری حاکم باشد وقتی که قانون دیگر هیچ نفعی در اجرا ندارد؟<sup>۶۴</sup>

ماده ۵(۱) و ۵(۳) کنوانسیون، یک عامل حمایت‌کننده دیگر نیز اضافه می‌کنند و آن قاعده رفتار ملی<sup>۶۵</sup> است،<sup>۶۶</sup> چه در کشور مبدأ و چه در کشور محل درخواست حمایت. این قاعده در واقع تأکیدی است بر لزوم حمایت توسط کشور محل درخواست حمایت، فراتر از آنچه کنوانسیون ارائه می‌هد؛ یعنی حمایت مبتنی بر کنوانسیون به‌علاوه حمایت مبتنی بر قانون کشور محل درخواست حمایت. این در حالی است که ماده ۵(۳) به کشور مبدأ و حمایت آن اشاره‌ای نمی‌کند.<sup>۶۷</sup> از نظر /ولمر، این اصل رفتار ملی مهم‌ترین حمایتی است که می‌توان در اسناد بین‌المللی (مانند

59. (2) The enjoyment and the exercise of these rights shall not be subject to any formality; such enjoyment and such exercise shall be independent of the existence of protection in the country of origin of the work. Consequently, apart from the provisions of this Convention, the extent of protection, as well as the means of redress afforded to the author to protect his rights, shall be governed exclusively by the laws of the country where protection is claimed.

60. Fawcett, *op. cit.*, p. 467.

61. *Ibid.*

62. *Lex protectionis*

63. ICC Studies in Industrial Property and Copyright Law, p. 144.

64. *Ibid.*

65. National treatment

66. (1) Authors shall enjoy, in respect of works for which they are protected under this Convention, in countries of the Union other than the country of origin, the rights which their respective laws do now or may hereafter grant to their nationals, as well as the rights specially granted by this Convention.

(3) Protection in the country of origin is governed by domestic law. However, when the author is not a national of the country of origin of the work for which he is protected under this Convention, he shall enjoy in that country the same rights as national authors.

67. Fawcett, *op. cit.*, p. 468.

کنوانسیون پاریس و برن) در رابطه با قانون کشور محل درخواست حمایت یافت.<sup>۶۸</sup> این اصل نیز با اصل سرزمینی‌بودن (در معنای محدود آن) انطباق زیادی دارد.<sup>۶۹</sup>

در واقع، مقررات کنوانسیون برن در تعیین قانون حاکم، بیشتر یک‌جانبه<sup>۷۰</sup> است تا دوجانبه<sup>۷۱</sup> و فقط وقتی که قانون داخلی بر خارجیان اعمال می‌شود حکومت می‌کند ولی مشخص نمی‌کند که مثلاً وقتی که قانون داخلی<sup>۷۲</sup> اعمال نمی‌شود، کدام قانون باید حاکم<sup>۷۳</sup> باشد؟ در این حالت، چاره آن است که این قاعده، دوجانبه شود و به نفع کشور مبدأ از آن برداشت شود؛ به این صورت که اگر آثاری که به‌طور ملی ایجاد شده است، مورد حمایت قانون داخلی است، این قاعده را می‌توان دوجانبه کرد و اعلام داشت که قانون قابل اعمال، قانون کشوری است که اثر در آن ایجاد شده است. در نتیجه، کشور مبدأ به‌عنوان عامل ارتباط اصلی معرفی شده و قانون آن کشور، قانون قابل اعمال<sup>۷۴</sup> تعیین می‌شود.

در کنار این قواعد عمومی، قواعد خاصی را نیز می‌توان در کنوانسیون برن برای تعیین قانون حاکم پیش‌بینی کرد. مثلاً برای مورد نقض حق، باید قانون کشور محل نقض، یا برای نقض حقوق معنوی پدیدآورنده،<sup>۷۵</sup> باید قانون کشور متبوع پدیدآورنده حاکم باشد و همچنین است برای آثار منتشر نشده‌ای که در آن کشور مبدأ وجود ندارد.<sup>۷۶</sup>

## ۲-۲. کنوانسیون رم ۱۹۶۱

کنوانسیون رم راجع به حمایت از حقوق اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار فونوگرام و سازمان‌های رادیویی و تلویزیونی است. این حقوق، ارتباط تنگاتنگی با حق نسخه‌برداری دارد و از این نظر، قواعد مربوط به حل تعارض آن، مشابه قواعد کنوانسیون برن است.

در این کنوانسیون، مواد ۴، ۵ و ۶ اشاره به ویژگی خاص دارند. این ویژگی‌ها با اجرایی آغاز می‌شود که بر روی فونوگرام انجام شده است، یا حتی اجرایی که بر روی فونوگرام نیامده است بلکه توسط رسانه ارائه شده است. در کنار این ویژگی‌ها، در این سند به رفتار ملی هم اشاره شده است یعنی با اجراکنندگان خارجی هم باید همانند اجراکنندگان داخلی رفتار شود و حمایت

68. Wadlow, *op. cit.*, p. 12.

69. *Ibid.*

70. Unilateral

71. Bilateral

72. Domestic law

73. Governing law

74. Applicable law

75. Moral rights

76. Fawcett, *op. cit.*, p. 473.

شوند.<sup>۷۷</sup> ماده ۲ کنوانسیون نیز اشاره دارد که قانون قابل اعمال، قانون کشوری است که حمایت آن درخواست شده است.

### ۲-۳. کنوانسیون پاریس ۱۸۸۳

این کنوانسیون که اصولاً راجع به اختراعات و علائم تجاری است، قواعدی نیز برای رقابت ناعادلانه و طرح‌های صنعتی دارد. در این سند، مواد ۲ و ۳ به تعارض قوانین و تعیین قانون حاکم در همه مصادیق بالا اشاره دارد.

در ماده (۱) به رفتار ملی اشاره شده است. این به معنای ارجاع به قانون ماهوی داخلی هر کشور در حوزه‌های تحت پوشش است و نه به مقررات شکلی حل تعارض آن کشور (م. (۳) (۲)). این حمایت قانون داخلی با حمایت مقررات کنوانسیون همراه است.<sup>۷۸</sup>

ماده (۲) نیز همانند کنوانسیون برن، قائل به قانون کشور محل حمایت<sup>۷۹</sup> است و آن را در موارد اختلافی<sup>۸۰</sup> و غیراختلافی قابل اعمال می‌داند. این نگاه در واقع نوعی اجتماع حمایت‌های ملی کشورهای عضو کنوانسیون پاریس را افاده می‌کند،<sup>۸۱</sup> به طوری که چند کشور درگیر، حمایت‌های خود از اثر را مستقلاً ارائه می‌کنند و اگر حمایت یکی از آنان زایل شود، حمایت بقیه کشورهای عضو به قوت خود باقی خواهد ماند (مواد 4Bis و 6(2) کنوانسیون).<sup>۸۲</sup> از عبارت ماده ۲ کنوانسیون فهمیده می‌شود که مقررات ملی فقط در داخل سرزمین مربوط، قابل اعمال است و در نتیجه، حقوق اعطایی هر سرزمین هم فقط به داخل آن سرزمین محدود خواهد بود. این قاعده همان اصل سرزمینی بودن<sup>۸۳</sup> است.<sup>۸۴</sup>

از عبارات ماه (۲) فهمیده می‌شود که قانون کشور محل درخواست حمایت، نه تنها در مورد آثار ثبت شده، بلکه در مواردی هم که نیاز به ثبت ندارد تسری می‌یابد، مانند رقابت ناعادلانه.<sup>۸۵</sup> بر اساس کنوانسیون، کشورهای عضو، موظف به حذف این نوع رقابت هستند و در موارد اختلاف هم قانون کشور محل درخواست حمایت، قانون حاکم خواهد بود.

مطالعات نشان می‌دهد که قانون کشور محل درخواست حمایت، بیشترین عامل ارتباط

77. Fawcett, *op. cit.*, p. 476.

78. Fawcett, *op. cit.*, p. 477.

79. Country of protection

80. Contentious

81. Fawcett, *op. cit.*, p. 478.

82. *Ibid.*

83. Territorial principle

84. *Ibid.*

85. Unfair competition

اعمال شده در حقوق کشورها بوده است. لذا در عمل<sup>۸۶</sup> این قانون در اکثر پرونده‌ها اجرا و اعمال شده است، البته نه به‌عنوان نتیجه قانون حاکم مستنبط از کنوانسیون پاریس.<sup>۸۷</sup> به همین دلیل برخی معتقدند که کنوانسیون پاریس، اعمال قانون محل درخواست حمایت<sup>۸۸</sup> را به‌عنوان عامل ارتباط تحمیل نمی‌کند، بلکه لازمه اجرای کنوانسیون این است که قانون یکسانی (واحدی) بر اتباع مقر دادگاه و اتباع دیگر کشورهای عضو اعمال شود، یعنی قانون کشوری که در آن درخواست حمایت شده، بدون لحاظ تابعیت طرفین، بر اختلاف حاکم شود.<sup>۸۹</sup> لذا تعیین قانون حاکم بر اساس تابعیت طرفین، نقض ماده ۲ کنوانسیون پاریس خواهد بود.<sup>۹۰</sup> در نتیجه، برداشت حقوق بین‌الملل خصوصی از این قاعده این است که پاسخ قطعی به مسئله قانون حاکم در اختلافات بین‌المللی ناشی از حق اختراع باید بر اساس قواعد حل تعارض مقر دادگاه ارائه شود.<sup>۹۱</sup>

## ۲-۴. توافقات همکاری‌های بین‌المللی

توافقات همکاری‌های بین‌المللی شامل موافقت‌نامه مادرید<sup>۹۲</sup> و پروتکل الحاقی آن و معاهده همکاری ثبت اختراع<sup>۹۳</sup> است. ویژگی همه این اسناد آن است که یافتن حقوق کشور حمایت‌کننده در آن‌ها مشکل نخواهد بود. اعمال این اسناد، منجر به اعطای حقوق ملی مالکیت فکری به اشخاص شده و در نتیجه آن، اعمال قانون کشور حمایت‌کننده با مشکلی مواجه نخواهد شد و گویی فرد به مقررات کشور خود مراجعه کرده است. البته وجود تشریفات واحد برای ثبت بین‌المللی می‌تواند تفاوت‌هایی را با ثبت ملی در حوزه قانون قابل اعمال ایجاد کند. در حالت ثبت بین‌المللی اگر اختلافی پیش از اعطای حق اثر رخ دهد، مسئله پیچیده‌تر خواهد بود. در این حالت، قانون حمایت‌کننده، قانون کشوری خواهد بود که از آن درخواست حمایت شده است. این امر از قواعد کنوانسیون پاریس نیز استنباط می‌شود. اما زمانی که درخواست ثبت بین‌المللی داده شده باشد و پس از اعطای حق اثر، قانون کشور حمایت‌کننده، شامل سند همکاری مربوط نیز خواهد شد، چرا که این اسناد حاوی قواعد ماهوی نیز هست.<sup>۹۴</sup> ولمر نیز این نظر را تأیید و حمایت می‌کند.<sup>۹۵</sup>

86. *De facto*

87. Pertegas Sender, *op. cit.*, p. 224.

88. *Locus protectionis*

89. Pertegas Sender, *op. cit.*, p. 223.

90. Pertegas Sender, *op. cit.*, p. 231.

91. *Ibid.*

92. Madrid Agreement

93. Patent Co-operation Treaty- PCT

94. Fawcett, *op. cit.*, p. 479.

95. Ulmer, *op. cit.*, pp. 67 & 100-101.



## ۲-۵. موافقت‌نامه تریپس

تریپس<sup>۹۶</sup> در ۱۹۹۴ تصویب شد. از تریپس به‌عنوان «گسترده‌ترین و جامع‌ترین نظام حقوقی که تا کنون در سطح چندجانبه در حوزه مالکیت فکری وضع شده» یاد شده است.<sup>۹۷</sup> این سند، اقسام متفاوت حقوق مالکیت فکری را که از آن بحث شد، خصوصاً کنوانسیون‌های پاریس و برن را پوشش می‌دهد و کشورهای عضو را موظف می‌کند تا مفاد این اسناد را که به‌نوعی در تریپس تکرار شده است اجرا کنند، حتی اگر به‌طور خاص، عضو آن کنوانسیون شده باشند (مواد ۲ و ۹).<sup>۹۸</sup>

تریپس همچنین قاعده رفتار ملی را نیز در خود دارد (ماده ۳). این سند همچنین به قانون کشور محل درخواست حمایت اشاره دارد، وقتی که در ماده ۳ کلمه protection را تعریف می‌کند و آن را شامل «اموری که مؤثر بر وجود حق، تحصیل، دامنه، نگهداری، اجرای حقوق مالکیت فکری، به‌علاوه مسائلی که تأثیر در استفاده از حقوق مالکیت فکری دارند» می‌داند. این تعریف در واقع اشاره به رفتار ملی داشته و در عمل سبب تفوق اعمال قانون کشور محل درخواست حمایت می‌شود، چرا که این تعریف، هم مسائل قابل نزاع (مانند نقض) و هم مسائل غیرقابل نزاع (همانند وجود حق یا تحصیل آن) را شامل می‌شود و در نتیجه، در این موارد فقط قانون کشور محل درخواست حمایت می‌تواند حاکم باشد و نه قانون کشور مبدأ یا قانون مقرر دادگاه.<sup>۹۹</sup> این امر از پاراگراف دوم ماده ۳ نیز استنباط می‌شود، وقتی به‌عنوان استثنا، امور تشریفاتی، اداری و قضایی را ذکر کرده و اجازه می‌دهد که این امور تابع قانون مقرر دادگاه باشد، چرا که اگر قرار بود همه امور (از جمله امور ماهوی) تابع قانون مقرر دادگاه باشد، دیگر نیازی به ذکر این استثنا نبود.

نتیجه برداشت از قاعده رفتار ملی تریپس آن است که «تابعیت» دیگر عامل ارتباط تلقی نمی‌شود، چرا که در غیر این صورت، سبب تفاوت رفتار میان اتباع و خارجیان دارای حق اختراع خواهد شد. لذا برای رفع نقض این‌گونه قواعد حل تعارض تریپس (ماده ۳)، می‌توان هم‌زمان از قواعد حل تعارض کشوری که دعاوی نقض در آن طرح شده استفاده و آن را تکمیل کرد.<sup>۱۰۰</sup>

تریپس با این رویه خود، نوعی پیشگامی نسبت به اسناد دیگر به دست آورده و به‌عنوان قاعده کلی اجازه داده است که قانون کشور محل درخواست حمایت به‌عنوان قانون حاکم شناسایی شود. البته ممکن است این قاعده کلی استثنائاتی داشته باشد که سبب حکومت قانون دیگری بشود، ولی

96. Agreement on Trade-related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS)

97. Pertegas Sender, *op. cit.*, p. 230.

98. Fawcett, *op. cit.*, p. 480.

99. Fawcett, *op. cit.*, p. 481.

100. Pertegas Sender, *op. cit.*, p. 231.

این استثنا نیاز به دلیل دارد و این دلیل یا از مواد تریپس به دست می‌آید یا از مواد دیگر کنوانسیون‌ها، مشروط بر آنکه توسط تریپس حمایت شده باشد.<sup>۱۰۱</sup> بنابراین در اینجا دیگر قاعده کلی، قانون کشور مبدأ یا قانون مقر دادگاه نیست. در غیر این صورت، مغایر ماده ۳ خواهد بود.

روشن است که مقررات مذکور در اسناد بررسی‌شده بالا کامل و جامع نبوده و تمامی مسائل مطروحه در حوزه تعارض قوانین را پاسخگو نیست. اگرچه قاعده رفتار ملی می‌تواند در بسیاری از حوزه‌های مربوط به ایجاد، دامنه و انحلال حقوق مالکیت فکری اعمال شود، باز هم خلأهایی وجود دارد. در این خلأها چاره‌ای جز استفاده از قواعد عمومی مربوط به حل تعارض وجود ندارد. در این جهت، آنچه بیشتر به کمک می‌آید، همان جنبه مال بودن حقوق مالکیت فکری و استعانت از قواعد مربوط به اموال در تعارض قوانین است. این قواعد، بهتر از قواعد مربوط به قراردادهای به کمک می‌آید، خصوصاً در بخش مربوط به ایجاد حق و دامنه آن، درحالی‌که قواعد مربوط به بهره‌برداری، بیشتر به بهره‌برداری یا انتقال حق، ربط پیدا می‌کند.

با این حال، تفاوت مال فکری با مال فیزیکی، اعمال این قواعد را با مشکل مواجه می‌کند و به همین دلیل است که برخی یک رژیم خاص را که ارتباطی با قواعد مربوط به اموال دارد<sup>۱۰۲</sup> در بخش قانون حاکم برای حقوق مالکیت فکری پیشنهاد کرده‌اند.<sup>۱۰۳</sup> در این راه، اولین قدم، تجزیه مسائل مربوط به حقوق مالکیت فکری است. این مسائل در ابتدا غیرقراردادی است و پس از ایجاد، قراردادی هم می‌شود. مسائل غیرقراردادی هم یا به نقض مربوط است که جنبه مسئولیت مدنی<sup>۱۰۴</sup> دارد، یا به مال مربوط است. پس در اینجا سه موضوع قرارداد، مسئولیت مدنی و مال مطرح است و مقررات فعلی تعارض قوانین کشور برای هر سه این موارد، راه‌حلی پیش‌بینی کرده است و فقط باید به دنبال تعیین مصادیق هر یک رفت.

البته مسلم است که مال فکری را نمی‌توان در زمره مال غیرمنقول دانست و لذا باید از اعمال قواعد مال غیرمنقول بر مال فکری صرف‌نظر کرد، اما برای مقایسه با مال منقول هم باید دید که محل وقوع این اموال فکری کجاست؟ در اینجا برای یافتن پاسخ، به بررسی مصادیق مهم مال فکری پرداخته می‌شود:

### ۳. مصادیق مهم مال فکری

#### ۳-۱. حق اختراع

در اینکه محل وقوع<sup>۱۰۵</sup> حق اختراع کجاست، اختلاف وجود دارد. برخی معتقدند که محل آن حق

101. Fawcett, *op. cit.*, p. 481.

102. *Sui generis*

103. Fawcett, *op. cit.*, p. 487.

104. Tort

105. *Situs*

در جایی است که می‌شود حق انحصاری ایجادشده را اعمال یا به غیر واگذار کرد.<sup>۱۰۶</sup> لذا حقی را که در ایران اعطا شده می‌توان در ایران به بهترین وجهی واگذار کرد. پس محل وقوع این حق در ایران است. شاید هم بتوان این‌گونه استدلال کرد که اگر نقض حق مالکیت فکری، نوعی خسارت به مال محسوب شود، چون حق اختراع و علائم تجاری ثبت شده است، می‌توان نتیجه گرفت که محل وقوع این اموال، کشور محل ثبت آن خواهد بود.

گروه دیگر اعتقاد دارند که فقط محل واگذاری و انتقال مهم نیست، بلکه کشوری ملاک است که بتوان بر مبنای قانونی که سبب ایجاد آن حق شده، آن را انتقال داد.<sup>۱۰۷</sup> مثلاً قانون ثبت اختراعات به «حق اولویت» اشاره داشته و درخواست ثبت در کشور دیگر را برای ثبت در ایران، نوعی اولویت تلقی می‌کند. حال اگر چنین درخواستی به ثبت رسید، کدام قانون، حاکم بر خلق این اثر است؛ قانون کشور خارجی که فقط درخواست ثبت را دریافت کرده، یا قانون ایران که حمایت‌ها را اعطا کرده است؟ بدیهی است که اولویت در حاکم‌بودن، با قانون دوم است. بنابراین، اشاره به قانون محل انتقال، چندان موجه نیست، چرا که شخص می‌تواند یک محل اتفافی را برای انتقال انتخاب کند. لذا باید به قانون محل ثبت اشاره داشت که پس از دریافت فرم ثبت‌نام و مدارک و بررسی آن‌ها و قبول، حق انحصاری را اعطا می‌کند. این هم نه به دلیل قرارداد، بلکه بر اساس مقررات کشور محل ثبت است.

قانون کشور محل درخواست حمایت، به اموری از قبیل لزوم ثبت و حمایت پوشش می‌دهد؛ مثل مفهوم بدیع‌بودن،<sup>۱۰۸</sup> نوآوری‌بودن،<sup>۱۰۹</sup> و قابل اجرای صنعتی‌بودن.<sup>۱۱۰</sup> اگر هم در مرحله درخواست ثبت،<sup>۱۱۱</sup> حق تقدم<sup>۱۱۲</sup> توسط درخواست مقدّمی در خارج از کشور وجود داشته باشد، این امر، موضوع را تغییر نمی‌دهد و کماکان بر اساس قانون کشور محل درخواست، حمایت برقرار می‌شود و قانون کشور مبدأ در اینجا تأثیری نخواهد داشت.<sup>۱۱۳</sup> حتی اگر درخواستی هم برای ابطال این حق بشود، باز هم قانون حاکم بر درخواست ابطال باید قانون کشور محل درخواست حمایت باشد.<sup>۱۱۴</sup> همچنین اموری از قبیل دامنه، وسعت حق، و ادعایی که می‌تواند در دعاوی نقض استفاده شود نیز تابع قانون کشور محل درخواست حمایت است.

106. Fawcett, *op. cit.*, p. 491.

107. Collins, Sir Lawrence, *Dicey, Morris and Collins on the Conflict of Laws*, 14<sup>th</sup> ed, vol. 2, Sweet & Maxwell, 2006, UK, p. 934.

108. Novelty

109. Inventive step

110. Capability of industrial application

111. Application step

112. Right of priority

113. Fawcett, *op. cit.*, p. 521.

114. *Ibid.*

شرایط و قواعد لغو و فسخ حق اختراع و علامت تجاری هم تابع قانون کشور محل درخواست حمایت است، مانند دوره حمایت (مثلاً ۳۰ سال)، نحوه عودت یا گذشت از علامت تجاری، یا اثر عدم پرداخت حق تمدید مجوز حق. مسئله اعتبار حق اختراع یا علامت تجاری و امور مربوط به قابل انتقال بودن این حق هم تابع قانون کشور محل درخواست حمایت است، مانند امکان ثبت انتقال در دفتر ثبت اختراع.

### ۲-۳. طرح‌های ثبت شده

این طرح‌ها هم از این نظر شبیه حق اختراع است و همان مراحل مربوط به درخواست ثبت و ضم مدارک و تشریفات در مورد آن‌ها هم اعمال می‌شود. لذا قانون حاکم بر آن‌ها هم باید قانون محل ثبت و اعطای حمایت باشد.

### ۳-۳. علائم تجاری

از نظر دیسی و موریس<sup>۱۱۵</sup> محل وقوع این علائم، شبیه محل وقوع حق اختراع است،<sup>۱۱۶</sup> چرا که در این نوع اثر نیز تشریفات ثبت و بررسی اثر، پیش از اعطای حق انحصاری استفاده وجود دارد.

### ۴-۳. حق نسخه برداری

حق نسخه برداری با حقوق بالا تفاوت دارد، چرا که تشریفات ثبت و بررسی در آن وجود ندارد. به همین دلیل، برخی نویسندگان از اعلام نظر بر روی این موضوع خودداری کرده‌اند.<sup>۱۱۷</sup> برخی دیگر نیز اثر نظم عمومی<sup>۱۱۸</sup> را در مورد این حق، همانند ثبت اثر دانسته‌اند که آن را به یک کشور متصل می‌کند و محل اعطای حمایت بر اساس نظم عمومی را محل وقوع حق نسخه برداری دانسته‌اند،<sup>۱۱۹</sup> مانند ایتالیا.<sup>۱۲۰</sup> باین حال، بر اساس یک پرونده انگلیسی<sup>۱۲۱</sup> که مربوط به دوره جنگ دوم جهانی و بهره برداری از یک اثر است که در انگلستان منتشر شده بود، دادگاه انگلستان اعلام می‌دارد که پذیرش انتقال قهری اثری در آلمان نازی مشکل است، اگرچه مالک آلمانی حق نسخه برداری می‌توانست بلافاصله پس از پایان جنگ و زوال عنوان «دشمن جنگی» از وی،

115. Dicey & Morris

116. Collins, *op. cit.*, p. 934.

117. Collins, *op. cit.*, p. 914.

118. Public policy

119. Collins, *op. cit.*, p. 495.

۱۲۰. رأی شماره ۲۷۵۴، ۲۹ ژوئیه ۱۹۵۸ دادگاه عالی ایتالیا.

121. *Novello v. Hinrichsen* [1951] 1 Ch. 595.

حق نسخه‌برداری خود را از نو به دست آورد، چرا که این دو حق انگلیسی و آلمانی نسخه‌برداری عملاً شناخته شده و از هم جدا هستند، ولی در این پرونده، به اینکه محل وقوع این مال، محل انتقال مؤثر حق باشد، اشاره یا حمایتی از آن نشده است.<sup>۱۲۲</sup>

#### ۴. حقوق اروپا

اقدامات اتحادیه اروپا در جهت یکسان‌سازی مقررات در حوزه تعیین قانون حاکم در تعارض قوانین، درخور توجه است. این اقدامات در اواخر قرن ۲۰ و اوایل قرن ۲۱ منجر به تصویب سه سند شد: کنوانسیون رم (۱۹۸۰)، مقررات رم ۱ (۲۰۰۸) و مقررات رم ۲ (۲۰۰۷).<sup>۱۲۳</sup> سند اول متعاقباً و با تصویب سند دوم، نسخ شد<sup>۱۲۴</sup> و دو سند بعدی، قواعد تعیین قانون حاکم در تعهدات قراردادی و تعهدات غیرقراردادی را بیان کرده‌اند.<sup>۱۲۵</sup>

در اروپا در مسائل حقوق مالکیت فکری، تا آنجا که مشمول کنوانسیون یا قانون خاصی نباشد، قانون حاکم در موضوعات مربوط به حق اختراع، حق نسخه‌برداری و حقوق علائم تجاری، تابع قانون محلی است که مقررات حمایتی را برقرار کرده است، یا محلی که از آن درخواست حمایت شده است. همین قانون است که معلوم می‌کند آیا این حقوق با شرایطی قابل انتقال هست یا خیر؟ این ایده قطعی به نظر می‌رسد.<sup>۱۲۶</sup> اما در مواردی که مسئله تابع مقررات خاصی باشد، وضعیت متفاوت خواهد بود. در این حقوق، تعهدات قراردادی و غیرقراردادی از مقررات مختلفی تبعیت می‌کند:

#### ۴-۱. قانون حاکم در تعهدات قراردادی

در ابتدا کنوانسیون شماره ۸۰/۹۳۴/EEC موسوم به کنوانسیون رم در ۱۹۸۰ توسط ۹ عضو جامعه اقتصادی اروپا (EEC)<sup>۱۲۷</sup> برای تعیین قانون حاکم بر تعهدات قراردادی تصویب و در ۲۰۰۶ اجرایی شد. در این کنوانسیون، ماده ۳ به طرفین اختیار می‌داد تا قانون حاکم بر قرارداد

122. Fawcett, *op. cit.*, p. 494.

123. For a brief on Rome Regulation I and Rome Regulation II See: Hastings, Paul, Rome I and Rome II: A Handbook to Determine the Law Governing Contractual and Non-Contractual Obligations, Stay Current, October 2010, available at: <http://www.paulhastings.com/docs/default-source/PDFs/1748.pdf>, March 2015.

124. Article 25(2), Rome I Convention 2008.

125. For a brief on European law of IP in light of conflict of laws see: Bochiero, Nerina, Intellectual Property in the Light of European Conflict of Laws, available at: <http://preview.ialsnet.org/meetings/business/BoschieroNerina-Italy.pdf>, January 2015.

126. Briggs, Adrian, *The Conflict of Laws*, 3<sup>rd</sup> ed, Oxford University Press, 2013, UK, p. 311.

۱۲۷. از ۱۹۹۳ و پیرو معاهده ماستریخت به اتحادیه اروپا (EC) تغییر نام داد.

خود را انتخاب کنند.<sup>۱۲۸</sup>

در صورتی که طرفین، انتخابی نداشته یا دادگاه صالح به دلایلی انتخاب آنان را معتبر نمی‌داند، ماده ۴ راه‌هایی را برای تعیین این قانون ارائه می‌کند. مثلاً در ماده (۱) ۴ به قانون کشوری که نزدیک‌ترین ارتباط را دارد اشاره شده بود. برای احراز این نزدیکی نیز بندهای دیگر این ماده، ملاک‌هایی را معرفی کرده بودند؛ از جمله، ماده (۲) ۴ محل اقامت معمول طرفی که اجرای اصلی قرارداد را بر عهده داشت یا مرکز اصلی فعالیت شرکت را موجب ارتباط نزدیک دانسته بود. ماده (۳) ۴ نیز به مال غیرمنقول یا حق استفاده از مال غیرمنقول اشاره داشت و در این موارد، قانون حاکم را قانون محل وقوع مال غیرمنقول می‌دانست. ماده (۵) ۴ نیز موارد مندرج در ماده (۲) ۴ را غیرقابل اعمال می‌دانست اگر محل اجرای اصلی قرارداد قابل تعیین نمی‌بود، یا فرض‌های مندرج در بندهای ۲ تا ۴ را غیرقابل اعتنا می‌دانست اگر از اوضاع و احوال به‌طور کلی برمی‌آمد که قرارداد با کشور دیگری ارتباط نزدیک‌تری دارد.<sup>۱۳۰</sup>

در سال ۲۰۰۸ مقررات شماره ۵۹۳/۲۰۰۸ موسوم به مقررات رم ۱ به‌عنوان جایگزین کنوانسیون رم ۱۹۸۰ برای حکومت بر تعهدات قراردادی به تصویب رسید و در دسامبر ۲۰۰۹ لازم‌الاجرا شد. قراردادهای با موضوع حقوق مالکیت فکری، تحت حاکمیت مقررات رم ۱ است.<sup>۱۳۱</sup> در این سند، مقررات خاصی نیز برای دعاوی ناشی از حقوق مالکیت فکری پیش‌بینی شده است. اولین پیش‌بینی این سند، همانند کنوانسیون رم ۱۹۸۰، آزادی طرفین در تعیین قانون حاکم است. ماده ۳ مقررات، این اختیار را به‌صورت انتخاب صریح یا ضمنی (با استنباط از مذاکرات طرفین یا اوضاع و احوال حاکم) پذیرفته است. حتی طرفین می‌توانند چند قانون را برای بخش‌های مختلف تعهدات خود انتخاب کرده یا قوانین انتخابی را تغییر دهند (ماده (۲) ۳).

**۱۲۸.** برخی اعتقاد دارند که قواعد مربوط به قانون حاکم نباید با ارجاع به آنچه طرفین انتخاب کرده‌اند تعیین شود، بلکه باید از طریق آنچه آن‌ها انتظار داشته‌اند تعیین شود. به گفته ایشان، قابل قبول نیست که حقوق اشخاص ثالث یا بیگانگان توسط قانون حاکمی که آن‌ها به آن دسترسی نداشته‌اند تعیین شود. بنابراین، مالکیت در اموال منقول، صرفاً توسط قانونی که طرفین انتخاب نموده‌اند حاکم نخواهد بود. ممکن است تعهدات شخصی آن‌ها در مورد این مال و حقوق توسط این قانون حاکم باشد ولی حقوق مربوط به خود مال چنین نخواهد بود. (Briggs, Agreements on Jurisdiction and Choice of Law, p. 420)

**۱۲۹.** ممکن است دادگاه در جریان رسیدگی، به دلایلی از قبیل موارد زیر، قانون منتخب طرفین را اعمال نکند: ۱. مثلاً قواعد تعیین قانون حاکم، دادگاه را به قانون متفاوتی دلالت کند. ۲. قواعد تعیین قانون حاکم دادگاه، (choice of law rules) آن قانون را غیرمجاز برای اجرا بدانند. ۳. دادگاه بر اساس مقررات امری خود، ملزم به اجرای قواعد داخلی مقر دادگاه شده باشد. ۴. دادگاه اگرچه مایل به اعمال قانون منتخب طرفین است، در اجرای آن به اشتباه می‌افتد و قانون دیگری را اعمال می‌کند. (Briggs, Agreements on Jurisdiction and Choice of Law, p. 446)

**130.** For a brief on Article 4 of Rome Convention 1980 see: Vondracek, Ondrej, Article 4 of the Rome Convention on the Applicable to civil and Commercial Obligations: A Fruitful or Fruitless Compromise? Analysis of the Rules of the Law of Characteristic Performance and the Proper Law of Contract, available at: [http://review.society.cz/index.php?Itemid=2&id=33&option=com\\_content&task=view](http://review.society.cz/index.php?Itemid=2&id=33&option=com_content&task=view), February 2015.

**131.** Briggs, The Conflict of Laws, *op. cit.*, p. 311.

پیش‌بینی دوم، مربوط به وقتی است که طرفین، قانون حاکم را تعیین نکرده باشند. در این حالت، پیش‌بینی مقررات رم ۱ متعدد است: مثلاً در مواردی که فروش کالا موضوع قرارداد باشد، قانون محل اقامت فروشنده حاکم خواهد بود (ماده (a)(۱)(۴)). شاید این قاعده در موارد فروش حقوق مالکیت فکری نیز قابل استفاده باشد، مانند فروش علامت یا نام تجاری یا حق اختراع. در قرارداد ارائه خدمات نیز قانون محل اقامت ارائه‌کننده خدمت، حاکم خواهد بود (ماده (b)(۱)(۴)). در قرارداد فرانشیز نیز قانون محل اقامت دریافت‌کننده فرانشیز حاکم خواهد شد (ماده (e)(۱)(۴)). اگر هیچ‌یک از عوامل بالا برای تعیین قانون حاکم حضور نداشت، بر اساس ماده (۲)(۴)، قانون محل اقامت معمول طرفی که اجرای اصلی قرارداد را بر عهده دارد، قانون حاکم خواهد بود. اما اگر اوضاع و احوال نشان دهد که قرارداد به روشنی ارتباط نزدیک‌تری با کشور خاصی غیر از کشورهای مندرج در مواد (۱)(۴) و (۲)(۴) دارد، قانون همان کشور، حاکم بر قرارداد خواهد بود (ماده (۳)(۴)).

در صورتی که قانون حاکم بر اساس بندهای ۱ و ۲ ماده ۴ قابل تعیین نباشد (و فرض این است که حسب ماده (۳)(۴) نیز قرارداد به روشنی ارتباط نزدیکی با کشور خاصی را نشان نمی‌دهد)، قانون کشور دارای نزدیک‌ترین ارتباط با قرارداد، به‌عنوان قانون حاکم انتخاب خواهد شد (ماده (۴)(۴)).

البته با توجه به جدید بودن مقررات رم ۱، پرونده‌های زیادی در حوزه مالکیت فکری بر اساس آن رسیدگی نشده تا بتوان رویه دادگاه‌های اروپایی را در استنباط از این مقررات دریافت. مثلاً مفهوم محل اجرای اصلی قرارداد در قراردادهای مالکیت فکری مبهم است، خصوصاً در قراردادهایی که اجراهای مختلف در آن پیش‌بینی شده است.<sup>۱۳۳</sup>

#### ۴-۲. قانون حاکم در تعهدات غیرقراردادی

سند بعدی اتحادیه اروپا، مقررات شماره ۸۶۴/۲۰۰۷ موسوم به مقررات رم ۲ در ژوئیه ۲۰۰۷ به تصویب رسید و در ژانویه ۲۰۰۹ لازم‌الاجرا شد. این مقررات برای تعیین قانون حاکم بر تعهدات غیرقراردادی (شامل استرداد و مسئولیت مدنی) است.<sup>۱۳۴</sup> در تعیین قانون حاکم بر نقض حقوق مالکیت فکری و دیگر ادعاهای غیرقراردادی، مقررات رم ۲ قانون کشور محل درخواست حمایت

132. Th.C.J.A. van Engelen, "Jurisdiction and Applicable Law in Matters of Intellectual Property", *Electronic Journal of Comparative Law*, vol. 14.3, December 2010, available at <<http://www.ejcl.org/143/art143-19.pdf>>, p. 1.

133. Marie, Aurelia, "Decide Whose Law Applies", *Managing Intellectual Property*, available at: <http://www.managingip.com/Article/2364994/Decide-whose-law-applies.html>, 1 December 2009, p. 3.

134. Stone, Peter, "The Rome II Regulation on Choice of Law in Tort", *Ankara Law Review*, vol. 4, No. 2, Winter 2007, pp. 95-130.

را بر تعهدات غیرقراردادی ناشی از این‌گونه نقض‌ها حاکم می‌کند. این مقررات همچنین حق انتخاب قانون دیگر توسط طرفین را سلب می‌کند.<sup>۱۳۵</sup>

بر اساس بند ۱۴ مقدمه این مقررات، ایجاد اطمینان حقوقی و نیاز به برقراری عدالت در دعاوی، عوامل ضروری برقراری عدالت در هر حوزه است. به همین لحاظ مقررات اخیر، یک دسته عوامل ارتباطی معرفی می‌کند که در جهت تحقق این اهداف، مناسب‌ترین است. این مقررات، یک‌سری قواعد کلی و یک‌سری قواعد خاصی را به همراه «شرط گریز»<sup>۱۳۶</sup> که موجبی برای گریز از قواعد کلی یا خاص را در جایی که از اوضاع‌واحوال برمی‌آید که شبه‌جرم به شکل آشکاری با کشور دیگری مربوط است، ارائه و معرفی می‌کند.

به همین جهت، این دسته از قواعد مندرج در مقررات رم ۲ چارچوب قابل انعطافی از قواعد تعارض قوانین را ایجاد کرده است و به دادگاه امکان می‌دهد که به روش مناسبی به دعاوی رسیدگی کند.

به‌عنوان مثال، در تعهدات غیرقراردادی، اصل قانون محل ایراد خسارت یا ارتکاب شبه‌جرم<sup>۱۳۷</sup> به‌عنوان راه‌حل مبنایی در حل تعارض قوانین، تقریباً در تمام کشورهای عضو اتحادیه پذیرفته شده است (بند ۱۵ مقدمه). بر اساس بند ۱۷ مقدمه و ماده (۱)۴ نیز قانون حاکم، قانون محل بروز خسارت ناشی از فعل زیان‌بار<sup>۱۳۸</sup> خواهد بود، بدون در نظر گرفتن قانون کشوری که فعل زیان‌بار منتهی به خسارت در آن رخ داده یا قانون کشور یا کشورهایی که آثار غیرمستقیم آن فعل زیان‌بار در آن‌ها بروز می‌کند.

اما قواعد اصلی مقررات رم ۲ در رابطه با حقوق مالکیت فکری در ماده ۸ آن تبلور یافته است. بر اساس ماده (۱)۸ این مقررات، قانون حاکم بر تعهدات غیرقراردادی ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری، قانون کشور محل درخواست حمایت است.<sup>۱۳۹</sup> تعیین این قانون نه‌تنها از دیدگاه حقوق تطبیقی، بلکه از نظر سیاست‌گذاری موجه به نظر می‌رسد زیرا اولاً، قانونگذاری‌های اخیر در سوئیس و ایتالیا روش مشابهی را انتخاب کرده‌اند. ثانیاً، کشورهایی که *Lex loci delicti* را انتخاب کرده‌اند تفسیر ویژه‌ای از این قاعده در زمینه خاص نقض حقوق مالکیت فکری ارائه نموده‌اند، مانند اتریش؛ یا قواعد خاصی را برای تعیین قانون حاکم بر شبه‌جرم نقض اعمال

135. Briggs, *The Conflict of Laws*, *op. cit.*, p. 312.

136. Escape clause

137. *Lex loci delicti commissi*

138. Tort / Delict

139. (The law of the country for which protection is claimed). For a brief on Article 8 of Rome Regulation 2008 See: Bochiero, Nerina, "Infringement of Intellectual Property Rights: Comments on Article 8 of the Rome II Regulation", *Yearbook of Private International Law*, vol. 9, 2007, pp. 17-43, available at: [http://www.turin-ip.com/course-documents/documents-2007/archive/2014-edition/copy\\_of\\_private-international-ip-law/yearbook2008%20\(Ubertazzi\)%20.pdf-1\\_1](http://www.turin-ip.com/course-documents/documents-2007/archive/2014-edition/copy_of_private-international-ip-law/yearbook2008%20(Ubertazzi)%20.pdf-1_1) June 2015.



می‌کنند، مانند انگلستان. ثالثاً، از دیدگاه سیاست‌گذاری باید دانست که معمولاً مشخص نمودن *Locus protectionis* آسان است و لذا وظیفه تعیین قانون حاکم را تسهیل می‌کند. استدلال دیگر به نفع این قاعده آن است که این قاعده نه تنها در موارد نقض به کار می‌رود، بلکه در موارد مرتبط با خلق و اعتبار حقوق مالکیت فکری نیز قابل استفاده است. بنابراین، در اختلافات مربوط به نقض حقوق مالکیت فکری که اعتبار حق اختراع، مورد نزاع قرار گرفته، دیگر نیازی نیست تا میان مسائل مربوط به شبه جرم<sup>۱۴۰</sup> و مسائل مربوط به اعتبار حق، به منظور تعیین قانون حاکم، تمیز قابل شد.<sup>۱۴۱</sup>

بر اساس ماده (۲) ۸، در تعهدات غیرقراردادی ناشی از نقض حق مالکیت فکری واحد در جامعه اروپا،<sup>۱۴۲</sup> قانون حاکم، در مواردی که مقررات مربوط جامعه بر آن حاکم نباشد، قانون کشور محل نقض خواهد بود. بر اساس ماده (۳) ۸ نیز قانون تعیین شده توسط ماده ۸ قابل رد نیست یا امکان توافق خلاف توسط طرفین، بر مبنای ماده ۱۴ همین سند وجود ندارد.<sup>۱۴۳</sup>

## ۵. حقوق ایران

در حقوق ایران، مقررات قانون مدنی، اولین قواعدی است که در خصوص تعیین قانون حاکم بر دعاوی بین‌المللی اموال وضع شده است. ماده ۹۶۶ ق.م. مقرر می‌دارد: «تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاء منقول و یا غیرمنقول، تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آن واقع می‌باشند...». قاعده حکومت قانون محل وقوع مال بر دعاوی ناشی از مال، که در حقوق ایران پذیرفته شده، یکی از قواعد قدیمی حقوق بین‌الملل خصوصی است و منشأ عقلی و منطقی دارد؛ چرا که مناسب‌ترین قانونی است که برای این امر انتخاب شده و به آسانی نیز قابل تعیین و اجرا خواهد بود.<sup>۱۴۴</sup>

تعیین قانون محل وقوع برای مال مادی آسان است و موجب اختلاف نیست،<sup>۱۴۵</sup> اما برای مال غیرمادی این کار آسان نخواهد بود.<sup>۱۴۶</sup> با این حال، اعمال قانون محل وقوع در این اموال نیز از اولویت برخوردار است.<sup>۱۴۷</sup>

140. Tortious

141. Pertegas Sender, *op. cit.*, p. 263.

142. A unitary community intellectual property right

۱۴۳. بر اساس بند ۱ ماده ۱۴ مقررات، طرفین می‌توانند تعهدات غیرقراردادی خود را به قانون منتخب خود ارجاع دهند.

۱۴۴. الماسی؛ همان، صص ۲۸۲-۲۸۳.

۱۴۵. پیشین، ص ۲۸۲.

۱۴۶. احذاده، عباس؛ *قانون قابل اعمال در رابطه غیرقراردادی حقوق مالکیت فکری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷، ص ۱۴۸.

۱۴۷. نصیری؛ همان، ص ۲۰۴.

در مال غیرمادی به علت تنوع مال و گستردگی آن، تعیین محل حضور مال در مواردی مشکل بوده و در نتیجه آن، تعیین قانون حاکم بر دعوا نیز با مشکل مواجه خواهد شد.<sup>۱۴۸</sup> در برخی موارد (مانند حقوق عینی) تعیین محل وقوع مال مشکل نیست،<sup>۱۴۹</sup> اما برخی دیگر از اقسام این مال، محل وقوع حقیقی نداشته و به‌ناچار در حقوق برای آن‌ها محل وقوع فرضی در نظر گرفته شده است.<sup>۱۵۰</sup> طبق یک دیدگاه، در این نوع موارد باید قواعد عمومی حقوق داخلی و همچنین قراردادهای چندجانبه مورد توجه قرارگیرد.<sup>۱۵۱</sup> «در مورد مالکیت صنعتی، چون حق مخترع پس از دخالت دولت مورد شناسایی قرار می‌گیرد، بنابراین قانون حاکم بر آن، قانون دولتی است که حق اختراع یا امتیازنامه را به مخترع اعطا می‌نماید».<sup>۱۵۲</sup> این همان *lex originis* است که در قبل توضیح داده شد.

بر اساس ماده ۱ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶ «اختراع نتیجه فکر فرد یا افراد است که برای اولین بار فرایند یا فرآورده‌ای خاص را ارائه می‌کند و مشکلی را در یک حرفه، فن، فناوری، صنعت و مانند آن‌ها حل می‌نماید». این قانون در خصوص قانون حاکم در دعاوی مربوط نیز پیش‌بینی‌هایی، هرچند محدود نموده است. از یک منظر، قانون فوق به حکومت قوانین شکلی ایران در دعاوی در صلاحیت دادگاه‌های ایران تصریح کرده است (روشن است که این امر، هر دو نوع دعاوی داخلی و بین‌المللی را شامل می‌شود). بدیهی است که رسیدگی در دادگاه‌های ایران به معنای صلاحیت قانون مقرر دادگاه در امور شکلی و تشریفات رسیدگی است. بر اساس ماده ۵۹ همین قانون: «رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاه‌های عمومی تهران می‌باشد ... تجدیدنظرخواهی از آرا و نحوه رسیدگی، تابع مقررات آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی است». همچنین ماده ۶۰ قانون به نقض حقوق ناشی از آن قانون در ایران اشاره دارد که در آنجا نیز به قانون ایران به‌عنوان قانون حاکم در ماهیت دعوا اشاره دارد، وقتی اعلام می‌کند: «... دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور دستور جلوگیری از نقض حقوق یا نقض قریب‌الوقوع حقوق، به جبران خسارت مربوط نیز حکم صادر کند و یا تصمیم دیگری جهت احقاق حق اتخاذ نماید».

همچنین با توجه به اولویت مقررات اسناد بین‌المللی بر حقوق داخلی در این حوزه، ماده ۶۲ به‌صراحت بر این امر تصریح نموده و اعلام می‌دارد: «در صورت تعارض مفاد این قانون با مقررات

۱۴۸. الماسی؛ همان، ص ۲۹۲.

۱۴۹. نصیری؛ همان، ص ۲۰۴.

۱۵۰. الماسی؛ همان، ص ۲۹۴.

۱۵۱. پیشین، ص ۲۹۲.

۱۵۲. پیشین، ص ۲۹۵.

مندرج در معاهدات بین‌المللی راجع به مالکیت صنعتی که دولت جمهوری اسلامی ایران به آن‌ها پیوسته و یا می‌پیوندد، مقررات معاهدات مذکور مقدم است».

در مورد مالکیت ادبی و هنری، برخلاف نظری که معتقد است قانون حاکم بر حقوق ناشی از مالکیت ادبی و هنری، قانون محل ابراز فعالیت است، ملاحظه متن قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ با اصلاحیه ۱۳۸۰ آن (ماده ۲۹) و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی ۱۳۵۲ (ماده ۸) نشان می‌دهد که این قوانین نیز بیشتر از احکام کلی مندرج در بالا (قانون محل درخواست حمایت و محل ایجاد حق) تبعیت می‌نمایند تا قانون محل ابراز فعالیت.

علی‌رغم پیش‌بینی‌های ذکرشده در حقوق ایران، متأسفانه این حقوق در حوزه مالکیت فکری مقررات جامعی نداشته و دعاوی بین‌المللی این حوزه نمی‌تواند با پاسخی درخور و به‌روز مواجه شود و ضروری است قانونگذار با استفاده از تجربه دیگر کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای و اسناد بین‌المللی نسبت به تدوین مقررات ویژه‌ای در این خصوص اقدام کند.

### نتیجه

مطالعه متن حاضر نشان می‌دهد که راه‌کارهای سنتی موجود در حقوق بین‌الملل خصوصی بسیاری از کشورها راجع به حاکمیت قانون محل وقوع مال، برای دعاوی بین‌المللی ناشی از حقوق مالکیت فکری کفایت نمی‌کند. نظریه سرزمینی بودن حقوق مالکیت فکری اقتضا دارد که قواعد مالکیت فکری تنها در چارچوب سرزمینی کشورها قابل اعمال باشد. لذا در یک رابطه حقوق مالکیت فکری در قلمرو سرزمینی یک کشور، نباید قانون دیگری غیر از قانون اعطاکننده حق را به‌عنوان قانون حاکم شناخت. با این حال، این حقوق به علت پشتوانه بین‌المللی آن و قابلیت شناسایی و حمایت از آن در دیگر کشورها، و همچنین پایه‌گذاری حقوق‌های ملی بر اسناد و معاهدات بین‌المللی، دارای جنبه فراسرزمینی نیز هست.

اسناد بین‌المللی در این جهت بهتر عمل نموده‌اند. کنوانسیون برن با پذیرش عوامل ارتباطی همچون تابعیت و اقامتگاه پدیدآورنده، به‌علاوه محل نشر اولیه اثر، قدم بزرگی در این راه برداشته است. در کنار این عوامل، قاعده رفتار ملی، کمک بزرگی به حل مسئله قانون حاکم می‌کند.

کنوانسیون رم نیز راجع به حمایت از حقوق اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار فونوگرام و سازمان‌های رادیویی و تلویزیونی، قواعد حل تعارضی مشابه قواعد کنوانسیون برن دارد. در کنوانسیون پاریس، قواعدی برای حل تعارض قوانین و تعیین قانون حاکم ارائه شده است. این کنوانسیون به قاعده رفتار ملی نیز اشاره دارد. ماده (۲) کنوانسیون نیز همانند کنوانسیون برن، قائل به قانون کشور محل درخواست حمایت است. مطالعات نشان می‌دهد که قانون کشور محل درخواست حمایت، بیشترین عامل ارتباط اعمال شده در حقوق کشورها بوده و در عمل در اکثر

پرونده‌ها اجرا و اعمال شده است.

تریپس نیز قاعده رفتار ملی را در خود دارد. این سند همچنین به قانون کشور محل درخواست حمایت اشاره می‌کند. این رویه تریپس، نوعی پیش‌گامی نسبت به سایر اسناد ایجاد کرده و به‌عنوان قاعده کلی اجازه داده است که قانون کشور محل درخواست حمایت به‌عنوان قانون حاکم شناسایی شود.

مقررات رم ۱ به آزادی طرفین در تعیین قانون حاکم اشاره دارد. در این مقررات حتی طرفین می‌توانند چند قانون را برای بخش‌های مختلف تعهدات خود انتخاب یا قوانین انتخابی را تغییر دهند. همچنین قانون محل اقامت معمول طرفی که اجرای اصلی قرارداد را بر عهده دارد می‌تواند قانون حاکم باشد. در برخی موارد نیز اگر اوضاع و احوال نشان دهد که قرارداد به‌روشنی ارتباط نزدیک‌تری با کشور خاصی دارد، قانون آن کشور، حاکم بر قرارداد خواهد بود. مقررات رم ۲ نیز در تعیین قانون حاکم بر نقض حقوق مالکیت فکری و دیگر ادعاهای غیرقراردادی، قانون کشور محل درخواست حمایت را حاکم می‌کند. این مقررات به عکس رم ۱، حق انتخاب قانون دیگر توسط طرفین را سلب کرده است. در تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا، در تعهدات غیرقراردادی، اصل قانون محل ایراد خسارت یا ارتکاب شبه‌جرم به‌عنوان راه‌حل مبنایی در حل تعارض قوانین پذیرفته شده است. برخی مواقع نیز قانون حاکم، قانون محل بروز خسارت ناشی از فعل زیان‌بار خواهد بود. بر اساس ماده ۸ رم ۲ نیز در حقوق مالکیت فکری، قانون حاکم بر تعهدات غیرقراردادی ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری، قانون کشور محل درخواست حمایت است.

در ایران در کنار ماده ۹۶۶ ق.م. می‌توان در برخی موارد بر مبنای دکترین، از قواعد عمومی حقوق داخلی و همچنین قراردادهای چندجانبه استفاده کرد. در برخی موارد، قوانین ملی مرتبط با مالکیت صنعتی نیز می‌توانند به‌عنوان قانون حاکم شناخته شوند. در حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان و ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی نیز همین احکام حاکم است. با این حال، تفاوت مال فکری با مال فیزیکی، اعمال این قواعد را با مشکل مواجه می‌کند و لازم است یک رژیم خاص که ارتباطی با قواعد مربوط به اموال دارد در بخش قانون حاکم برای حقوق مالکیت فکری ایجاد شود. ایده‌آل آن است که یک سامانه واحد بین‌المللی ثبت و حمایت مالکیت فکری در همه کشورها وجود داشته و حقوق مشابهی به اشخاص اعطا و دامنه حمایت یکسانی به آنان داده شود و مدت مشابهی هم این حمایت به طول بکشد. یک سامانه منظم تعیین قانون حاکم نیز می‌تواند وضع فعلی را بهبود بخشیده و رویه واحدی در کشورها ایجاد کند. باید تلاش شود که یک مجموعه مقررات یکنواخت بین‌المللی برای حل تعارض دعوی مالکیت فکری و تعیین قانون حاکم تدوین شود تا از تعارض نظرات در صحنه بین‌المللی جلوگیری کند.

منابع:

الف. فارسی

– کتاب

- الماسی، نجادعلی؛ حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ پنجم، میزان، ۱۳۸۶.
- میرحسینی، سیدحسن؛ مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، میزان، ۱۳۸۴.
- نصیری، محمد؛ حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ بیست‌وسوم، کتاب گزیده، ۱۳۸۹.

– مقاله

- باقری، محمود و عباس احدزاده؛ «قابلیت اعمال تئوری تحلیل منافع عمومی در دعاوی نقض حقوق مالکیت فکری»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره چهل‌وچهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳.

– پایان‌نامه

- احدزاده، عباس؛ قانون قابل اعمال در رابطه غیرقراردادی حقوق مالکیت فکری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.

ب. انگلیسی

- Books

- Briggs, Adrian, *Agreements on Jurisdiction and Choice of Law*, Oxford University Press, 2008, UK.
- Briggs, Adrian, *The Conflict of Laws*, 3<sup>rd</sup> ed, Oxford University Press, 2013, UK.
- Collins, Sir Lawrence, *Dicey, Morris and Collins on the Conflict of Laws*, 14<sup>th</sup> ed, vol. 2, Sweet & Maxwell, 2006, UK.
- Fawcett, James, Torremans, Paul, *Intellectual Property and Private International Law*, Clarendon Press, 1998, Oxford (UK).
- *ICC Studies in Industrial Property and Copyright Law; International Property and Private International Law – Heading for the Future*, Hart Publishing, Oxford and Portland, Oregon, 2005, USA. <http://gourdpachart.com/rejugukony.pdf>.
- O'Brien, John, *Conflict of Laws*, 2<sup>nd</sup> ed, Cavendish Publishing Ltd., 1999, London.

- Pertegas Sender, Marta, *Cross-Border Enforcement of Patent Rights; An Analysis of the Interface between Intellectual Property and Private International Law*, Oxford University Press, 2002, UK.
- Ulmer, Eugen, *Intellectual Property Rights and the Conflict of Laws*, Kluwer, 1978, The Netherlands.
- Wadlow, Christopher, *Enforcement of Intellectual Property in European and International Law; The New Private International Law of Intellectual Property in the United Kingdom and the European Community*, Sweet & Maxwell, 1998, London (UK).

#### - Articles

- Bochiero, Nerina, “Infringement of Intellectual Property Rights: Comments on Article 8 of the Rome II Regulation”, *Yearbook of Private International Law*, vol. 9, 2007, June 2015.
- Marie, Aurelia, “Decide Whose Law Applies”, December 2009/January 2010.
- Metzger, Axel, “Applicable Law under the CLIP Principles: A Pragmatic Revolution of Territoriality”, October 2015.
- Stone, Peter, “The Rome II Regulation on Choice of Law in Tort”, *Ankara Law Review*, vol. 4, No. 2, Winter 2007.
- van Engelen, Th.C.J.A., “Jurisdiction and Applicable Law in Matters of Intellectual Property”, *Electronic Journal of Comparative Law*, vol. 14.3, December 2010, September 2015.
- Vondracek, Ondrej, “Article 4 of the Rome Convention on the Applicable to Civil and Commercial Obligations: A Fruitful or Fruitless Compromise? Analysis of the Rules of the Law of Characteristic Performance and the Proper Law of Contract”, February 2015.